

هر علمی دارای موضوعی است و موضوع یا موضوعات علمی نیازمند واژه‌هایی هستند که معرف آنها باشد. علاوه بر این در هر علمی واژگان برای انتقال مفاهیم و اندیشه‌ها نقش اساسی دارند. بطوریکه بدون استفاده از آنها گفتگو ممکن نیست و انتقال میراث فرهنگی در پهنه زمان غیرممکن می‌گردد.

در این مقاله ابتداسعی می‌شود توضیحی درباره مفاهیم و اصطلاحات داده شود و سپس به تعاریف، مفاهیم و ارزشها، ویژگیهای واژه‌ها، نقش مفاهیم و اصطلاحات در علوم، نقش مفاهیم و اصطلاحات در جامعه‌شناسی، اهمیت مفاهیم و واژه‌ها در جامعه‌شناسی ایران پرداخته خواهد شد:

مفاهیم

هر ادراکی از طریق مفهوم حاصل می‌شود و در علم (بمعنای حصولی آن) آگاهی با وساطت صورت ادراکی تحقق می‌یابد. هر مفهوم علمی بطور مثال «پدیده اجتماعی تام» خود از مفاهیمی تشکیل می‌شود مثل «پدیده» «اجتماعی» و «تام» که در خارج از ذهن انسان وجود ندارد.

هر مفهوم دارای محتوایی است که با کلمه‌ای معین مثل «پدیده» و یا با تلفیق کلمات مثل «دگرگونی اجتماعی» نشان داده می‌شود. بدین ترتیب اظهار نظر قاطع درباره واقعیت با استفاده از یک مفهوم امکان ندارد، مثلاً کوشش برای آنکه از مفهوم «گروه» یا «اجتماع» در بایم که «گروه» یا «اجتماع» چیست؟ خود را گول زده ایم، زیرا مفهوم و واقعیت را یکسان گرفته‌ایم. این قبیل مفاهیم را می‌توان نوعی استنباط (INFERENCE) که در واقع تجربه‌های عالی‌تر و وقایع مجسم و محسوس هستند، دانست. بدیهی است این مطلب در ادراک حصولی صادق است و اگر از

اهمیت مفاهیم و اصطلاحات در جامعه‌شناسی

دکتر مهدی طالب

یافته‌های حضوری در این مورد مدد گرفته شود، حقیقت بودن ادراکات غیربدیهی (یعنی آنچه که در ذهن افراد وجود دارد نه در خارج از ذهن آنها) اثبات می‌شود.

بطور کلی مفهوم را می‌توان «نوعی انتزاع یا تجرید وقایع محسوس دانست و به گفته مک لند (۱۹۵۱) مفهوم راه کوتاهی برای تعریف و توصیف واقعیات است.

تعاریف

زمانیکه مسائل و مباحث مربوط به موضوع علمی علی‌الخصوص علوم انسانی مطرح می‌شود. اصطلاحات و واژگانی بکار برده می‌شود. که بدلالی چند از جمله کاربرد آنها در علوم و مباحث دیگر و برداشتهای متفاوتی که در فرهنگ‌های مختلف و احياناً مکاتب مختلف از آنها می‌شود. نیازمند تعریف هستند.

یا عبارت دیگر محتاج معرف اند، تا مقصود و مفهوم واقعی آن روشن گردد. در مباحث جامعه‌شناسی بدلیل وجود مشترکات لفظی تعریف واژه‌ها اجتناب‌ناپذیر است.

از طرف دیگر در تحقیقات اجتماعی مسئله روشن کردن مفاهیم و تعریف واژه‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا فرضیه از مفاهیم و کلماتی تشکیل می‌گردد که اگر تعریف دقیق و روشنی از آنها بعمل نیاید امکان واریسی فرضیه را برای محققان مختلف فراهم نمی‌آورد. بنابراین هنگامیکه بخواهیم کلمات و مفاهیم را با هدف «استفاده علمی» بکار ببریم نیازمند تعریف دقیقی از آنها هستیم. بدیهی است هر کلمه و مفهومی برای تعریف بکار برده شود. خود نیاز به تعریف دیگری دارد. و باین ترتیب با زنجیری از تعاریف روبرو خواهیم بود. در اینجا است که دو راه پیشنهاد می‌گردد یکی استفاده از زبان عامیانه و لغاتی که به خودی خود یک تعریف بشمار می‌آیند و بزحمت میتوان از آنها تعریف دقیقی ارائه داد.

در بسیاری از موارد همین زبان عامیانه که با کلمات تعریف نشده کار می‌کند. سرچشمه اساسی مفاهیم علوم اجتماعی هستند. در جهت استفاده علمی از مفاهیم و یا تشکیل مفهومی جدید از روش تجزیه و تحلیل معنی استفاده می‌شود. باین ترتیب که عناصر معنی کلمه را که تا بحال در زبان عام مورد نظر بوده در تعریف جدید برداشته و عناصر معنی جدیدی به آن اضافه می‌شود. مثلاً اگر اجتماع را برای ادارات، سازمانها، شرکتهای، سخنرانی‌ها و... در زبان عامیانه بکار می‌برند، می‌توان عناصر مزبور را حذف و عنصری شامل درجه‌ای از یکپارچگی گروه‌هایی را که در یک مجتمع زندگی می‌کنند بعنوان عنصر معنی که حتماً نباید در کلمه عامیانه اجتماع نهفته باشد به آن اضافه کرد تا تعریف دقیق بشود. و اما راه دوم اینست که با تکیه بر ادراکات

بدیهی یعنی ادراکی که به خودی خود روشن است و هیچ عاقلی نمی‌تواند آنرا انکار کند و یا حتی درباره آن شک و تردیدی به خود راه دهد، مفاهیم مورد نظر (مفاهیم غیر بدیهی = نظری) را تعریف نمود.^۲

با توجه به کاربرد مفاهیم در انتقال اندیشه‌ها و کاربرد آن در فرضیه تحقیق و کاربردهای علمی می‌بایست آنرا هم بصورت مجرد یا انتزاعی تعریف کرد. یعنی معنی کلی آنها را بیان نمود و هم بصورت اعمال و اموری که در هر مطالعه بعنوان معرف و معادل آنها تعیین می‌شود، توصیف نمود. تعاریف نوع اول از آن جهت لازم است که بعداً بتوان هر مطالعه را به اطلاعات دیگری که درباره همان مفاهیم موجود است مربوط ساخت، لزوم تعاریف نوع دوم از آن جهت است که بتوان تحقیق را اجراء کرد و به نتیجه دست یافت.^۳

البته تعاریف دیگری هم بصورت‌های تعاریف، اسمی، حقیقی، عملی، لفظی و... هم مطرح است.^۴

مفاهیم و ارزش:

واژگان و مفاهیم حاصل جهان بینی انسانها هستند و یا لاقلاً در ارتباط با آن مطرح اند و باین ترتیب دارای بار ارزشی می‌باشند. بعبارت دیگر یک سلسله عناصر ارزشی در محتوای بسیاری از مفاهیم در کنار عناصر تشریحی دیگر نهفته است. این موضوع بویژه درباره مفاهیمی که مربوط به پدیده‌های اجتماعی می‌شوند، صدق می‌کند. مفاهیمی از جمله «قهرمان»، «از وطن رانده شده»، «از هم گسیختگی»، «رشد»، «عقب ماندگی»... از این زمره اند. پاره‌ای از مفاهیم خود علامت یا سمبولی (نهادی) برای ارزشیابی هستند مثل «زشت»، «خشم» و... مفاهیمی نیز وجود دارند که با یک ارزش خفیف دارند، و یا اصولاً ارزش آنها به آسانی قابل شناخت نیست مثل

«سن ورود به مدرسه»، «سن ازدواج» ارزش نهفته در یک چنین مفهومی وابسته به فرهنگ است و جهت و شدت آن از نظر تاریخی متغیر است. ذکر این نکته ضروری است که در انجام تحقیقات اجتماعی نباید حتماً دنبال مفاهیم علمی با ارزشهای خنثی باشیم مفاهیمی با ارزش خنثی شرط لازم برای اعتبار نتایج تحقیق نیست. در حالیکه ارزش‌ها و یا عدم ارزشهای پدیده‌های اجتماعی برای تعریف مسائل تحقیقی دارای اهمیت قابل توجهی اند. می‌بایست به بار ارزشی مفاهیم با توجه به ایدئولوژی‌های مختلف اهمیت داد نه اینکه سعی در خالی کردن، مفاهیم از ارزش‌ها نمود.

ویژگی مفاهیم و واژه‌ها

مفاهیم بعنوان ظرف و محمل نه تنها سعی در ارائه، حمل و اشاعه مطروف خود یعنی دانش بشری دارند، بلکه حراست از این محتوی را در طول قرون و اعصار بر عهده می‌گیرند و تعالی دانش جز از طریق زبان میسر نیست. زمانیکه اگوست کنت مردگانرا نیز در زمره جامعه زندگان به حساب می‌آورد و یا آنگاه که بزعم بیکن بشریت همچون یک تن بشمار می‌آید که هر نسلی بر شانه نسلهای پیشین جای می‌گیرند، یعنی از تجربیات آنان استفاده می‌کنند و چشم اندازی نودر مقابل دارند و یا زمانیکه فردوسی تعبیر زیبای زیر را مطرح می‌سازد:

بی افکندم از نظم کاخی بلند

که از باد و باران نیابد گزند

نمیرم از این پس که من زنده‌ام

که تخم سخن را پراکنده‌ام

در تمامی این موارد، زبان با مجموعه واژگان محمل این میراث فرهنگی در طول تاریخ اند.

واژگان نه تنها به درک پیام فرهنگی در

عمق تاریخ و ایجاد گفتگو بین انسانها در

فرا سوی قرن‌ها مدد می‌رساند، بلکه در برهه‌ای خاص از زمان نیز در ورای مرزهای ملی، گفتگوی جهانی دانش پژوهان را ممکن می‌سازد. ویژگی واژه‌ها را بطور کلی می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی نمود:

۱ - واژه پدیده‌ای است فرهنگی که نه تنها ناشی از فرهنگ خاص جامعه است بلکه خود عنصریست مؤثر در حرکت یا سکون فرهنگی.

۲ - هر چند واژگان ظرف پیام اند. لکن با گسترش تعبیری که مک لوهان در باب وسایل ارتباط جمعی ارائه داده است، باید گفت واژگان از دیدگاهی خود پیام اند، باین ترتیب که بُرد معنایی هر واژه، غنا، تعدد، تنوع و دیگر ویژگیهای واژگان، خود نوع فرهنگ را معین می‌دارد.

۳ - این واقعیت که واژه زاده فرهنگ است، نشانی از نوع فرهنگ دارد و در رابطه تعاملی یا کنش متقابل با دیگر عناصر فرهنگ می‌باشد. و در رابطه با حرکت واژگان هم‌آهنگ با حرکات فرهنگی است. پس همانند فرهنگ، واژگان نیز به دنیا می‌آیند، شکوفا می‌شوند، زمانی را می‌گذرانند و سپس از چند نظر دگرگونی پیدا می‌نمایند:

- یا کاربرد آنان تغییر می‌پذیرد، رواج کمتری می‌یابند و یا آنکه بالعکس مطرح می‌شوند و رواج بیشتری می‌یابند.

- یا بُعد معنایی واژه‌ها دچار تطور می‌شود، باین ترتیب که عمق و بُرد معنایی واژه دگرگون می‌شود. بطور مثال زمانیکه شبکه خویشاوندی دارای کارکردهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بود، مفهوم آن نیز گسترش بیشتری داشت. لکن تطور آن در زمان واقعیت‌های دیگری را پدید آورد. خانواده کارکرد گذشته را از دست داد، روابط خویشاوندی هم از نظر عمق و هم از نظر شدت و فراوانی رو به کاستی نهاد. پس بعد از این تحولات، هر چند واژه خویشاوندی بکار رفت و می‌رود، لکن

عق و گستره معنایی خود را از دست داد. — در مواردی نیز واژگان نه تنها به فرسایش، بلکه به نیستی دچار می‌شوند. شاید کمتر کسی است که زبان فارسی امروزی را بخوبی بداند و با همان به فهم آثار سعدی و فردوسی و حافظ، نائل آید.

۴ — واژه‌ها در درون یک فرهنگ نیز ویژگی‌هایی پیدا می‌کنند.

زمانیکه یک خرده فرهنگ (Sub-Culture) یا پاره فرهنگ (Part. Culture) غشاء خود را ضخیم‌تر می‌سازد و خود را تبدیل به حوزه مجرا (Isolat) می‌نماید.

یکی از مهمترین شاخصهای آن ایجاد زبانی خاص با واژه‌های جدا و مجزاست. بررسی همسایگی فرهنگها و اقوام در طول تاریخ یا تماس فرهنگی (Contact, Culturele) یا داد و ستد فرهنگی (Culture Exchange) از طریق حرکت واژگان قابل تمیز هستند، چنانچه آنگاه که جامعه آن هم مانند جامعه کنونی جهان سوم در معرض تهاجم و حتی اشغال فرهنگی قرار می‌گیرد. بهترین شاخص شناخت آن تسخیر زبان این ملل است. آنچنانکه در طول چند دهه، اساساً هویت زبان شناختی نباشد.

نقش مفاهیم و اصطلاحات در علوم:

با توجه به ویژگیهای واژگان و مفاهیم می‌توان نقش آنها را در علوم به ترتیب زیر خلاصه نمود:

۱ — در رشد علم. از آنجائیکه زبان و اندیشه پشت و روی یک سکه‌اند و هر دو فرآورده پیشرفت پیوندهای اجتماعی هستند. و از آنجائیکه اصطلاحات و واژگان ابزار زبان و القبای آن محسوب می‌گردند. انتقال اندیشه‌ها چه بصورت نوشته و چه بصورت سخن باعث پیشرفت علوم می‌گردد باین ترتیب که انسانها با مدد گرفتن از تجارب و اندیشه‌های پیشینیان به ترویج و توسعه علوم همت می‌گمارند. تماس

فرهنگی انسانها در سطح ملی و بین‌المللی از یک طرف و تفهیم و تفهّم انسانهای دارای زبانهای مختلف از طرف دیگر شرط انتقال اندیشه‌هاست. بطور کلی می‌توان گفت که هر اندیشمندی ناچار از بکار بردن واژه‌ها و مفاهیم است، زیرا مفاهیم زیربنای علوم‌اند و پیشرفت علوم با گسترش و توسعه و برد معنایی مفاهیم در رابطه است.

۲ — در نفوذ فرهنگی یا استعمار فرهنگی به بهانه گسترش پیشرفتهای علمی که در یک جامعه رخ می‌دهد، زبان و فرهنگ آن جامعه در جوامع دیگر وارد شده که گاه شکل سالم تبادل فرهنگی دارد و گاه شکل نفوذ فرهنگی و تسلط فرهنگی به قیمت نابودی فرهنگ جامعه اخیر، در اینصورت بدون اینکه سعی در استفاده معقول و منطقی از اصطلاحات و واژه‌ها و اصولاً پیشرفتهای علمی مورد نظر باشد، به فنای فرهنگی یا نابودی فرهنگی جامعه اخیر منجر گردیده و این امر را با هجوم به زبان آن جامعه آغاز می‌نماید. زیرا فنای فرهنگی جز با امحاء کامل زبان میسر نیست. هدف از طرح این بحث، لزوم جلب توجه به این نکته است که پیدایش و رواج علوم اجتماعی در غرب و گسترش آنها در کشورهای جهان سوم نباید موجب سرازیر کردن واژه‌ها، مفاهیم و محتوای گزند که موجودیت فرهنگی جامعه را به خطر اندازند. مطالعه در زبان علمی و حتی روزمره جامعه می‌تواند بعد این هجوم را تا سالهای اخیر نشان دهد.

نقش مفاهیم و اصطلاحات در جامعه‌شناسی

جامعه‌شناسی علمی است جوان که کمی بیش از صد سال از مطرح شدن آن می‌گذرد، جامعه‌شناسی از بدو تولد برای توجیه موضوع، قلمرو، هدف، و روش خود از مفاهیم و واژه‌های دیگر علوم بویژه علوم انسانی یاری جسته است، نام این رشته علمی یعنی

سوسیولوژی (Sociologie) که از ترکیب کلمه Socius لاتین و کلمه Logos یونانی توسط اگوست کنت ابداع گردید. از همان آغاز مورد ایراد اهل لغت قرار گرفت. قبل از وضع این کلمه کنت از ترکیب دو واژه فیزیک و سوسیال استفاده کرده و منظور خود را با کلمه فیزیک سوسیال بیان می‌داشت. با نگاهی تحقیقی به سیر جامعه‌شناسی و اصطلاحات و مفاهیم به کار برده شده در آن به دو دسته اصطلاح برخورد می‌شود:

— یک دسته واژه‌های مورد استفاده سایر علوم.

— و دیگری اصطلاحاتی که با توجه به ضرورت، وضع یا ترکیب گردیده‌اند.

در مورد دسته اول واژه‌ها، نگاهی به سیر تاریخی جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که در ابتدای شروع مباحث جامعه‌شناختی اهمیت و کاربرد آنها بیشتر است. بطور مثال وقتی اگوست کنت از جامعه‌شناسی استاتیک (ایستا) و دینامیک (پویا) صحبت می‌کند هر دو اصطلاح را از علم فیزیک به عاریت می‌گیرد. در مورد دسته دوم اصطلاحاتی مثل «جامعه پذیری» را می‌توان نام برد. اگرچه لازم است گفته شود که کلمات جدید در جامعه‌شناسی نادرند زیرا در جامعه‌شناسی معمولاً مفاهیم جدید از کلماتی که قبلاً در همبستگی با دیگر علوم شناخته شده‌اند و یا از طریق تلفیق کلمات قبلاً شناخته شده گرفته می‌شوند، مانند مفاهیم «شخصیت اجتماعی»، «موقعیت اجتماعی»، «گروههای اولیه»، «نقش اجتماعی».

از طرف دیگر بعلمت جوانی جامعه‌شناسی چه واژه‌ها و مفاهیمی که از علوم دیگر گرفته شده است و چه واژه‌های ساختگی و وضعی که هنوز در تمام محافل اعم از دانشگاهی و غیردانشگاهی جا نیفتاده است. و زبان مشترکی لااقل در مورد پاره‌ای از اصطلاحات

وجود ندارد. از طرفی مشترکات لفظی خود مانع دیگری در تفهیم و تفهّم مطالب است، زیرا در بسیاری از موارد مفاهیم گرفته شده از سایر علوم با تعبیری محدودتر و یا حتی متفاوت با آنچه که از آن در جایگاه خودش استنباط می‌گردد، بکار می‌رود و همین استفاده از واژه‌های سایر علوم گاهی باعث بروز اشکالات اساسی در برداشت از قضایا و بالنتیجه تبیین مطالب گردیده است. مثل ارگانسیم وقتی آنرا برای پدیده‌های اجتماعی بکار می‌برند.

گاهی نیز جامعه‌شناسان برای بیان مطلبی از واژه‌های گوناگون استفاده کرده‌اند که این امر نیز در درک نظرات آنها مشکلاتی پدید آورده است. از طرف دیگر از آنجائیکه جامعه‌شناسی موضوع و قلمرو وسیعی دارد، ضرورتاً در ارتباط نزدیک با سایر علوم اجتماعی بوده و از واژه‌های مورد استفاده آنها مدد گرفته است و همین امر باعث شده است که شمار مفاهیم و واژه‌های مورد استفاده جامعه‌شناسی با توجه به مکاتب مختلف خود مانع دیگری در راه تفهیم صحیح آنها بشمار آید.

نقش و اهمیت مفاهیم و اصطلاحات زمانی بیشتر مشخص می‌گردد. که به نظریه‌های جامعه‌شناسی یعنی بر قوانین جامعه‌شناسی و فرضیه‌های مربوط توجه گردد. زیرا علمی بودن جامعه‌شناسی و ارائه قانون مستلزم تعریف و توجه مفاهیم است، بنحوی که هیچگونه بدفهی و یا ناهفمی برای محقق پدید نیآورد، بعبارت دیگر در یک تحقیق جامعه‌شناختی واژه‌ها و مفاهیم نقش اساسی و کلیدی دارند.

اهمیت مفاهیم و واژه‌ها در جامعه‌شناسی در ایران
به منظور تسهیل نتیجه‌گیری در بحث و

نشان دادن مفاهیم و واژه‌ها در جامعه‌ای که زادگاه جامعه‌شناختی بمعنای امروزی آن و آنچه تحت عنوان سوسیولوژی در دنیای غرب مطرح است، نیست. نکاتی چند را یادآوری می‌شویم:

عمر جامعه‌شناسی در ایران* را شاید بتوان از سال ۱۳۲۲ با تألیف کتاب علم الاجتماع و تدریس آن در دانشگاه تهران دانست. لیکن کلمه جامعه‌شناسی کمی بعد وضع گردید. از آن زمان به بعد کتابهای متعددی در زمینه جامعه‌شناسی به زبان فارسی منتشر شده است که اکثریت قریب باتفاق آنها یا ترجمه متون خارجی است و یا اگر نام تألیف دارد محتوایش از کتب خارجی متأثر است و اصولاً تألیفی مستقل در زمینه مسائل اجتماعی و جامعه‌شناختی ایران یا صورت نگرفته است و یا با استفاده از همان الگوها و واژه‌ها صورت پذیرفته است.

یکی از مشکلات کتب جامعه‌شناسی و مطالبی که در این زمینه به فارسی انتشار یافته است، استفاده از واژه‌ها و اصطلاحات و ترجمه‌ای است که در مقابل واژه‌های خارجی برگزیده‌اند. «در این مورد قاعده کلی آنست که هر مترجمی (برخی از مترجمان) قریب به تمام اصطلاحات و واژه‌هایی را که مؤلفان و مترجمان پیش از او به کار برده‌اند، ندیده انگارد و با واژه‌ها و اصطلاحات تغییراتی دیگر و گاه ناآشناتر، موضوعات جامعه‌شناسی را عنوان کند و به این ترتیب بر نارسایی و هرج و مرج مباحث ابهام و چند پهلو بودن واژه‌ها بیفزاید.

در مورد ترجمه واژه‌های خارجی تعدد و تنوع به حدی است که در بسیاری از موارد درک مطلب را مشکل می‌گرداند و یا حتی

* از سال ۱۳۱۳ و سپس ۱۳۱۸ درسی بنام علم در دانشسرای عالی و دانشگاه تهران تدریس میشده است.

کسی که به واژه‌های بکار برده شده در کتابی آشنا شده است، وقتی کتاب دیگری را مطالعه کند چه بسا از درک مفاهیم بکار برده شده عاجز می‌ماند یا لاقلاً با دشواریهایی مواجه می‌گردد. ذکر چند مثال موضوع را روشن می‌کند. کلمه INSTITUTION در زبان فرانسه و INSTITUTION در زبان انگلیسی را در فارسی برای اولین بار «نهاد» ترجمه کرده‌اند، ولی سپس واژه مؤسسه راهم که می‌تواند معادل INSTITUT باشد برای همین واژه بکار برده‌اند (مشفق همدانی) و یا «نهاد» را برای ترجمه کلمه کاراکتر بکار گرفته‌اند (جامعه‌شناسی معاصر صالحی) و یا نهاد را برای کلمه «نز» بکار برده‌اند (جامعه‌شناسی مرتضوی).

برای واژه COMMUNAUTE معادلهای مشارکت، یکسانی، جماعت، امت، اجتماع گروههای اشتراکی، اجتماع اختیاری، اشتراک، اموال، منافع، وسایل تولید) بکار برده شده است.

برای دیالکتیک معادلهای روشن عقلی، سلوک عقلی، جدل، مناظره، مباحثه، گفتگو، جدالی جدلی، جدال عقلی دیالکتیک، علم کلام و برای دینامیک معادلهایی، حرکتی، قوه‌ای، توانمندی، پویا، توانمند، پویایی، تکاپویی، دینامیک، تحرک، برای فونکسیون، کارکرد، نقش، وظیفه، شغل، پیرو، کار، تابع، به کارایی، کارکردمان و برای STRUCTURE هیأت تألیفی، ساخت، شالوده، بنا، و ساختمان و... بکار برده شده است.

بدیهی است تا هنگامی که واژه‌ها و اصطلاحاتی که رسا و دلچسب باشند، ابداع نشده باشند، جستجو برای پیدا کردن اصطلاحات علمی کاری شایسته و ستودنی است ولی ساختن واژه‌هایی تازه بجای واژه‌های موجود جز دامن زدن به بی‌سامانی حاصل دیگری ندارد.

نتیجه‌گیری

با بحث مختصری که درباره مفاهیم و اصطلاحات و اهمیت آن در جامعه‌شناسی بعمل آمد با توجه به روند مباحث مطروحه قبلی نتایجی بشرح زیر می‌توان گرفت:

۱ - مفاهیم در علوم انسانی و بویژه در جامعه‌شناسی نقش اساسی دارند و دلایل زیر را می‌توان در توجیه اهمیت مفاهیم و اصطلاحات آورد:

الف - به علت جوانی علم جامعه‌شناسی، اصطلاحات بکار برده شده در آن هنوز به درستی جا نیفتاده و چه در مورد مفاهیم و واژه‌ها و چه در مورد معادلهایی که بر ایشان انتخاب گردیده، اجماع وجود ندارد.

ب - اشتراک لغات در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی به دلیل ارتباط آن با سایر رشته‌های علوم اجتماعی بحدی است که در اکثر موارد نیاز به تعریف واژه‌ها قبل از پرداختن به هر یک از موضوعات جامعه‌شناسی مشهود است.

ج - جامعه‌شناسی اکثر واژه‌ها و مفاهیم خود را از سایر علوم اخذ کرده و در بسیاری از موارد در معنایی احیاناً متفاوت و یا نزدیک به کاربرد آن در علم مربوط بکار می‌برد.

د - ترجمه و تألیف متون جامعه‌شناسی به زبان فارسی باعث تحریف، تسخید و حتی تعویض مفاهیم اصلی گردیده و آشفته‌بازاری را در مباحث جامعه‌شناسی پدید آورده است که تا حدودی ناشی از عدم اطلاع مترجمان و مؤلفان ولی بیشتر ناشی از ناهم‌آهنگی و ادخال سلیقه‌ها و نظرگاههای مختلف در تعیین کلمات و اصطلاحات معادل می‌باشد.

ه - اغلب مفاهیم و واژه‌ها بکار برده شده چه در اصل متن و چه در ترجمه دارای بار ارزشی و القاء‌کننده ایدئولوژی‌های گوناگون است.

۲ - گذشته از مسائلی که مفاهیم و

اصطلاحات در نظریه‌ها و دیدگاههای جامعه‌شناختی دارد، مفاهیم و تعریف آن و پیدا کردن معرف (اندیس) سنج (اندیکاتور) و متغیر (واریابل) در انجام تحقیقات جامعه‌شناختی مبحثی اساسی است و جای بحث جداگانه‌ای در روش تحقیق دارد.

پیشنهادها

اگر چه هر واژه یا اصطلاحی در داخل متن مربوط و حتی با توجه به دیدگاه نویسنده معنای خاص می‌یابد. لکن پیدا کردن واژه‌های مناسب و هم‌آهنگ نمودن واژه‌هایی که تاکنون معادل کلمات مختلف بکار برده شده است، امری است ضروری و با اینکه دو واحد، یکی در دانشکده علوم اجتماعی و تعاون و دیگری در فرهنگستان در گذشته سعی در شناسایی و وضع واژه‌ها نموده‌اند ولی هیچکدام تسوفیق چندانی نیافته‌اند، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، انجمنی تحت عنوان انجمن لغات و اصطلاحات علوم اجتماعی در سال ۱۳۵۱ تشکیل داد که طی ۱۱ جلسه کار خود ۹۶ واژه را مورد بررسی و تصویب قرار داد. این کار متأسفانه مدت‌هاست دنبال نشده است.

در مرحله بازسازی علوم انسانی و منجمله جامعه‌شناسی ضرورت امعان نظر در واژه‌ها و اصطلاحات بکار برده شده و رایج ضروری است. از طرفی واژه‌سازی امری است که بطور مستمر مطرح است لکن توجه به نکات زیر حائز اهمیت است (۸):

۱ - واژگان پدیده‌های فرهنگی هستند. پس نمی‌توان بصورت تصنعی آنها را پدید آورد، واژگان مصنوعی چون از جوشش درونی فرهنگ مایه نمی‌گیرند، کارکردهای اصیل فرهنگی ندارند لذا در غربت بسر می‌برند.

۲ - واژه‌ها جامعه نهاداند، دارای علایم پذیرفته شده جامعه جهت رسانیدن پیام‌اند.

زمانی که جای خود را یافتند و به کار آمدند و رسای مفهوم شدند، دیگر استناد بر چند اصل ریشه‌شناسی و کوشش در زدایش آنها بدین بهانه نابجاست. ورود واژه‌های بیگانه در جایی که ضرورتی نبوده و هدفهای دیگری را دنبال می‌کرده از این امر مستثنی است.

۳ - هر واژه عمری خاص دارد و از این نیز گریزی نیست، پس تعصب در نگهداری آنان به هر قیمت نادرست، نابهنگام و ناموفق خواهد بود.

۴ - نظری وجود دارد مبنی بر اینکه واژگان مسافران جهانند. از سوئی به سوئی دیگر می‌روند و از لابلای مرزها رسوخ می‌کنند، هنگامی که در حوزه فرهنگی خاصی نشستند و جای یافتند، دیگر کوششی برای طرد و اخراج آنان بدین عنوان که از خارج آمده‌اند نادرست است، چه اولاً آنان جزیره میراث فرهنگی گشته‌اند، ثانیاً رنگ و بوی و تلفظ مردم آن سامان را یافته‌اند، اما با استناد به اینکه برای انهدام فرهنگی، ابتدا زبان آنرا نشانه می‌گیرند می‌بایست دقت بیشتری کرد و مفهوم واژه را با خود واژه اشتباه نگرفت، زیرا نگاهی به زبانهای دیگر مثل عربی، فرانسوی نشان می‌دهد که هر واژه جدید را در فرهنگ خود هضم می‌کند و رنگ و بوی فرهنگ خود را به آن می‌دهد، بنابراین نباید دروازه به روی هر واژه‌ای باز کرد و به بهانه اینکه آنچه را که این واژه فرنگی می‌خواهد بگوید لغتی در فارسی نیست که رسای آن باشد، خودش را می‌گذرانیم. گاه ممکن است واقعاً این چنین باشد لکن ضروری است که تعریف کامل آن همراه آورده شود.

۵ - معیار سنجش اعتبار واژه‌ها، مسیزان پیوند آنان با مردمی است که در نهایت آن را به کار می‌برند، پس کوشش در جهت اخذ واژه‌هایی از گذشته‌های دور جوامع و سعی در رواج آنها به این دلیل که در اسلاف آنان آمده



آشنائی با بزرگان جامعه‌شناسی

ما در این سلسله از مقالات که تحت عنوان «آشنائی با بزرگان جامعه‌شناسی» خواهد آمد درصدد هستیم شما را با زندگی، آثار، زمینه پیدایش تفکرات، و آراء جامعه‌شناسان صاحب نام آشنا سازیم. هدف ما این است که با ارائه تصویری از شرایط و اوضاع و احوال فرهنگی، سیاسی و اجتماعی این صاحب‌نظران بهتر با شکل‌گیری اندیشه آنان آشنا شویم. در پی تحقق این منظور، قرعه فال در این شماره که اولین شماره رشد علوم اجتماعی است بنام ابن خلدون زده شده، کسی که او را باید بنیان‌گذار واقعی جامعه‌شناسی شناخت.

ابن خلدون

غلامعلی خوشرو

هفده ساله بود که پدر و مادرش در اثر وبا در گذشتند.
در بیست سالگی وارد زندگی پرماجرایی سیاسی شد. و حدود بیست سال دوم عمر خود را در برخورد با حوادث سیاسی از ملازمت سلطان تا مهاجرت و حبس و زندان گذراند. بعد از این دوران از سیاست کناره گرفت و در

۱ - زندگی - عبدالرحمن ابن خلدون به سال ۷۳۲ هجری در تونس متولد شد. نیاکان عبدالرحمن نزدیک به یک قرن قبل از تولد او از حضر موت به اندلس مهاجرت کرده و در تونس اقامت کردند. پدرش مردی عالم و فقیه بود، از کودکی او را به فراگیری زبان، تحصیل فقه و حفظ قرآن تشویق کرده عبدالرحمن

به همان اندازه نادرست است که سعی در رواج واژگان بیگانه بهر دلیل داشته باشیم.
۶ - واژگان ابزار کار و محل ارائه و انتقال اندیشه‌اند، نباید به صورت دکانی خاص از آن بهره‌برداری شود و گروهی چند حرفه‌ای‌های آن گردند. و هر روز واژه‌های تازه به بازار آورند و مردم را از اینکه با آنان آشنا نیستند به مسخره گیرند.

و بالاخره پیشنهاد نهایی خود را به این صورت ارائه می‌دهیم که کار واژگان نباید از سوی چنان بی‌صاحب باشد که به تعصب، تصنع و وسواس گراید. و هر کس واژه را به معنای خود بکار گیرد و یا به خود اجازه ایجاد، نشر و اشاعه آن را دهد. زیرا در این آشفته بازار تفاهم مردمان مشکل می‌گردد و زبان صورت ابزاری خود را از دست می‌دهد، پس تشکل جمعی ذیصلاح لازم است که مهر آنان پای واژه‌ها چاره‌گشای مشکل فعلی گردد و برای نگارش کتابهای جامعه‌شناسی چه بهتر که از هم اکنون به این فهم توجه گردد.
و من الله التوفیق

منابع و مأخذ:

- ۱ - مصباح - استاد محمدتقی، پاساداری از سنگرهای ایدئولوژیک، مؤسسه در راه حق قم.
- ۲ - سلتیز و همکاران، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه خسرو مهندسی، توسعه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ص ۶۱
- ۳ - نقل به مضمون از پاساداری از سنگرهای ایدئولوژیک ص ۸۴ تا ۸۶
- ۴ - نقل از روشهای تحقیق در علوم اجتماعی.
- ۵ - برای کسب اطلاع بیشتر به «آشنایی با علوم اسلامی» جلد اول منطق تألیف استاد مطهری رجوع شود.
- ۶ - و ۸ - قسمتهای مزبور با استفاده از متن دست‌نویس آقای دکتر باقر ساروخانی تهیه شده از همکاری ایشان و راهنماییهایشان تشکر می‌شود.
- ۷ - مقاله دکتر توسلی در نامه علوم اجتماعی شماره ۴ سال ۱۳۵۳.

